

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

(گرایش تاریخ تمدن و فرهنگ ملل اسلامی)

پایان‌نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

جغرافیای تاریخی و تاریخ اجتماعی و فرهنگی

غزنه از ورود اسلام تا آغاز حمله مغول

استاد راهنما: دکتر علی غفرانی

استاد مشاور: دکتر عبدالرحیم قنوات

دانشجو: محدثه پاینده

زمستان ۱۳۹۱

اظهارنامه

اینجانب محدثه پاینده دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده پایان‌نامه جغرافیایی تاریخی و تاریخ اجتماعی و فرهنگی غزنه از ورود اسلام تا آغاز حمله مغول، با راهنمایی آقای دکتر علی غفرانی متعهد می‌شوم:

- تحقیقات در این پایان‌نامه توسط اینجانب صورت گرفته و از درستی و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهش‌های محققان دیگر، به منبع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان‌نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه فردوسی مشهد » و یا « Ferdowsi University of Mashhad » به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان‌نامه تأثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از پایان‌نامه رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان‌نامه، در مواردی که از موجود زنده (یا بافت‌های آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان‌نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در رساله/پایان‌نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.

فهرست مطالب

چکیده پایان نامه :

عنوان.....صفحه

غزنه از شهرهای ایالت زابلستان قدیم به شمار می‌رفت که در دوران پیش از اسلام مهد تمدن‌های مهمی چون یونانی، کوشانی و هپتالی بوده است. با فتح سیستان و زابلستان توسط سپاهیان مسلمان، این شهر به یک پایگاه نظامی تبدیل شد. خاندان لویکان از بقایای حاکمان پیش از اسلام، در سه قرن نخست هجری به عنوان خراجگذار صفاریان و سامانیان در حکومت غزنه و زابلستان باقی مانده بودند. این شهر در قرن چهارم هجری پایتخت حاکمان مسلمان شد و همسایگی با سرزمین هند، غزنه را به یک پایگاه نظامی برای حمله‌های مکرر به هند تبدیل کرد.

غزنه در قرن پنجم به سبب حضور غزنویان، پیشرفت‌های چشمگیری داشت. سرازیر شدن غنایم و ثروت‌های بی‌شمار هند و ورود بردگان هندی، هم سبب رونق تجارت و اقتصاد غزنه می‌شد و هم نیروی انسانی لازم را برای حاکمان مسلمان تامین می‌کرد. در این دوره بناهای جدید و مجلل با سبک معماری اسلامی احداث گردید. حضور شاعران و ادیبان فارسی‌زبان در دربار غزنه، باعث ارتقاء سطح ادبی و فرهنگی آنجا شد. این شهر، در انتقال مفاهیم فرهنگ اسلامی و ادب فارسی به نواحی مسلمان‌نشین هند اهمیت بسزایی یافت. از قرن چهارم، به تدریج اسلام دین رسمی و غالب مردم غزنه شد. گروه‌هایی از غیر مسلمانان مانند یهودیان و مسیحیان نیز حضور داشتند. با ضعف حکومت غزنویان از اواخر قرن پنجم، سرانجام غزنه توسط غوریان تصرف و به آتش کشیده شد. این شهر نیمه ویران از یورش سپاه مغول نیز بی‌نصیب نماند. هم‌اکنون استانی با نام غزنی در افغانستان است که در فاصله پنج کیلومتری ویرانه‌های شهر غزنه قدیم قرار دارد.

کلید واژه: ۱. زابلستان، ۲. غزنه، ۳. غزنویان، ۴. هند،

۵. لویکان

فهرست مطالب

مقدمه پژوهش ۱-۱۱

فصل اول: جغرافیای تاریخی

موقعیت جغرافیایی.....	۱۳-۱۵
نام گذاری.....	۱۶-۱۹
پیشینه تاریخی.....	۲۰-۲۵
آب و هوا.....	۲۵-۲۶
ساختار شهر غزنه و نواحی اطراف.....	۲۷-۳۱
دروازه‌ها.....	۳۲-۳۳
کوی‌ها و محله‌ها.....	۳۳-۳۴
میدان‌ها.....	۳۴
توابع غزنه.....	۳۵-۴۰
موقعیت فعلی.....	۴۱

فصل دوم: هنر و معماری در غزنه

بناهای پیش از اسلام.....	۴۳-۴۵
بناهای دوره اسلامی.....	۴۵-۵۲
بناهای عمومی.....	۵۳-۵۹
دیگر بناها.....	۶۰-۶۲
صنایع و هنرها.....	۶۲-۶۶

فصل سوم: اقتصاد غزنه

تجارت.....	۶۸-۷۱
کشاورزی.....	۷۲-۷۴
مشاغل.....	۷۵-۷۷

معادن طلا و نقره..... ۷۸.....

سکه‌های دوره اسلامی..... ۷۹-۸۰.....

فصل چهارم: اوضاع اجتماعی و فرهنگی

اقوام ساکن در غزنه و نژادها ۸۲-۸۵.....

طبقات اجتماعی ۸۶-۹۱.....

خط و زبان ۹۱-۹۳.....

ضرب‌المثل‌ها ۹۳-۹۶.....

دین و مذهب ۹۶-۱۰۳.....

پوشاک ۱۰۳-۱۰۴.....

غذاهای مرسوم ۱۰۵.....

خصوصیات بارز اخلاقی و جسمی ۱۰۶.....

آداب و رسوم ۱۰۷-۱۱۳.....

بازی‌ها و سرگرمی‌ها ۱۱۴.....

فصل پنجم: مشاهیر غزنه

مشاهیر غزنوی..... ۱۱۷-۱۲۵.....

مشاهیر مهاجر..... ۱۲۶-۱۴۱.....

نتیجه‌گیری..... ۱۴۲-۱۴۴.....

مقدمه پژوهش

تعریف مسئله و تبیین موضوع

شهر غزنه یکی از مناطق تاریخی ایالت زابلستان واقع در سرزمین سیستان بود. این شهر پیش از اسلام، در زمینه‌های فرهنگی، هنری، مذهبی، اقتصادی و سیاسی اهمیت فراوانی داشت و در دوره اسلامی، در شمار مراکز مهم نظامی خراسان قرار گرفت. این منطقه باستانی پس از تشکیل حکومت‌های صفاریان (حکومت: ۲۴۷-۳۹۳ قمری/۸۶۱-۱۰۰۲ میلادی) و سامانیان (حک: ۲۶۱-۳۹۵ ق/۸۷۴-۱۰۰۴ م)، از کانون‌های مهم فرهنگی و اجتماعی خراسان بود و در روزگار حکومت غزنویان (حک: ۳۵۱-۵۸۳ ق/۱۱۸۷-۹۶۲ م)، از نظر شکوه و آبادانی و رونق اقتصادی و فرهنگی به اوج رسید. سلطان علاءالدین غوری (حک: ۵۴۵-۵۵۶ ق/۱۱۵۰-۱۱۶۱ م) معروف به جهان‌سوز، در قرن ششم هجری، به غزنه حمله کرد و آن را به آتش کشید؛ بنابراین شهر شکوه و عظمت پیشین خود را از دست داد. در این تحقیق -تا حد ممکن سعی شده- گزارشی از "جغرافیای تاریخی و تاریخ اجتماعی و فرهنگی غزنه از ورود اسلام تا آغاز حمله مغول"، با تکیه بر منابع مختلف جغرافیایی، تاریخی و ادبی ارائه شود. همچنین با توجه به اهمیت فرهنگی و علمی غزنه میان شهرهای شرق جهان اسلام و انتساب مشاهیر متعدد به آنجا، فصلی نیز به شرح حال عالمان و ادیبان اختصاص داده شده است.

ضرورت تحقیق و هدف

پیشینه سیاسی و جایگاه تاریخی شهر غزنه در دوره‌های گوناگون به ویژه پس از فتح اسلامی و نیز عدم انجام پژوهشی مستقل درباره تاریخ، جغرافیا و اوضاع اجتماعی این شهر، مطالعه و تحقیق در این موضوع را ایجاب می‌کند. سازمان فرهنگی کشورهای اسلامی آیسسکو (isESCO)^۱، شهر غزنه را به عنوان پایتخت جهان اسلام انتخاب و اعلام کرده است. به همین

^۱ به انگلیسی Islamic Educational Scientific and Cultural Organization : یک سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی که در ماه مه ۱۹۷۹ تأسیس شد. مقر آن در در رباط پایتخت مراکش قرار دارد. ۵۷ کشور اسلامی از جمله ایران عضو این سازمان هستند. (برای اطلاع بیشتر ر.ک: کتاب سازمان علمی، آموزشی، فرهنگی اسلامی (آیسسکو)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات ۱۳۸۷).

مناسبت همایشی با محوریت شهر غزنه، در سال ۲۰۱۳ میلادی برگزار می‌شود. یکی دیگر از اهداف این تحقیق، ارائه طرحی به همایش است.

پرسش های اساسی

- ۱- شهر غزنه از نظر قومی، جمعیتی و مذهبی چه وضعی داشت؟
- ۲- عوامل مؤثر در شکوفایی علمی، فرهنگی و اجتماعی غزنه در دوره اسلامی چه بود؟
- ۳- علل افول تدریجی و ویرانی شهر غزنه چه بود؟

فرضیه ها یا پاسخ های احتمالی

۱- شهر غزنه واقع در ایالت زابلستان، جایگاه مردمی از نژادها و اقوام مختلف بود. اصل و نسب خاندان محلی لویکان غزنه تاکنون به درستی مشخص نشده است؛ اما بر اساس پژوهش های مورخان معاصر و شرق شناسان، آنان از بقایای کوشانیان و هپتالیان بودند و با سلسله هندوشاهان کابل پیوند خویشاوندی و اتحاد سیاسی داشتند؛ بنابراین می‌توان گفت علاوه بر ساکنان بومی، "اقوام هندی" نیز در این منطقه زندگی می‌کردند. ترکان خَلج و غُز، تاجیکان و در دوره اسلامی اعراب مسلمان و ترکان غزنوی نیز با این جمعیت ترکیب شدند. حضور اقوام مختلف، عامل مهم رواج و گسترش مذاهب و آیین های گوناگون در این سرزمین به شمار می‌رود. غزنه پیش از اسلام، جایگاه پیروان آیین بودایی، برهمنایی، میتراپی و بت پرستی بود و با نفوذ اسلام در آنجا، فرقه های مختلف سنی و شیعی نزد مسلمانان شکل گرفت.

۲- شهر غزنه در اوایل فتح اسلامی، بیشتر از جنبه های نظامی و اقتصادی برای امیران مسلمان از جمله سامانیان و صفاریان اهمیت داشت؛ اما حاکمان ترک غزنوی، با انتخاب این شهر به عنوان پایتخت، نقش بسزایی در ارتقای سطح علمی، فرهنگی و اجتماعی آنجا ایفا کردند. فتوحات آنان در سرزمین های هند و خراسان، علاوه بر جنبه نظامی و اقتصادی، از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز دارای اهمیت فراوان بود. دربار تجملی غزنه و بخشش های شاهانه سلاطین، دانشمندان و ادیبان بسیاری را به سوی این شهر جلب می‌کرد. عده ای نیز در جنگ اسیر و مجبور به ترک دیار و رفتن به غزنه می شدند. سلطان محمود خود را وارث سامانیان می دانست و در راه رسیدن به گنجینه های

فرهنگی، علمی و ادبی آنان تلاش می‌کرد؛ بنابراین همگام با گسترش و آبادانی، جایگاه علمی، فرهنگی و ادبی غزنه نیز میان شهرهای اسلامی بالا رفت.

۳- افول و ویرانی تدریجی غزنه علل مختلفی داشت. علاوه بر درگیری‌های داخلی غزنویان برای کسب قدرت، تعصبات حاکمان و تشدید اختلافات مذهبی و بی‌تدبیری آخرین سلاطین این سلسله در مواجهه با رقیبان خارجی در افول شهر تاثیر زیادی داشت. غزنه چندین بار مورد حمله سلجوقیان (۵۱۰ و ۵۲۹ق) و سپس غوریان (۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵ق) قرار گرفت. حمله‌های پی‌درپی غوریان، خسارت‌های فراوان و جبران ناپذیری را به بناهای با شکوه این شهر وارد می‌کرد. در دوره‌های بعد، تهاجمات خوارزمشاهیان (حک: ۴۹۱-۶۱۶ق/۱۰۹۸-۱۲۱۹م) و مغولان از سال ۶۱۷ق/۱۲۲۰م، این شهر را ویران کرد.

پیشینه تحقیق

پژوهشگران متعددی، غزنه و مسائل گوناگون آن را مورد توجه قرار داده و کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی در این باره نوشته‌اند؛ اما آنان بیشتر تمرکز خود را به تاریخ سیاسی این شهر در روزگار غزنویان معطوف داشته‌اند. به برخی از مهم‌ترین این منابع اشاره می‌شود:

۱- کتاب *غزنه و غزنویان* نوشته غلام جیلانی جلالی. نویسنده ضمن ارائه تاریخ مختصر سلاطین غزنوی، به توصیف بناهای دوره حکومت غزنویان و بقایای آنها در شهر غزنه و همچنین به معرفی چند تن از مهم‌ترین عالمان آن روزگار پرداخته است. این کتاب از نظر جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، نظامی و حتی معرفی مشاهیر دوره غزنوی، اطلاعات مفیدی در اختیار نهاده؛ اما نثر سنگین و متکلف کتاب، فهم آن را برای خواننده سخت کرده است.

۲- *تاریخ غزنویان* اثر کلیفورد ادموند باسورث.^۱ این کتاب، به عنوان پژوهشی نوین در تاریخ دودمان غزنویان، منبع مهمی برای آگاهی از رویدادهای آن عصر به شمار می‌رود. باسورث، با وجود پرداختن به حاکمان ترک مسلمان و حوادث روزگار آنان، آگاهی‌های مفیدی را درباره اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی غزنه در قرن‌های پنجم و ششم هجری به دست داده و با

^۱ . Clifford Edmund Bosworth

تحلیل آنها، کاری ارزنده در این زمینه گردآوری کرده است. به ویژه اینکه کتاب‌شناسی مناسبی را ترتیب داده که در تحقیق حاضر به کار آمده است.

۳- غزنویان از پیدایش تا فروپاشی نوشته ابوالقاسم فروزانی. این کتاب نیز پژوهشی جدید در تاریخ دودمان غزنویان است. بیشتر مطالب آن، شامل تاریخ سیاسی این سلسله بوده و تنها در فصل آخر کتاب (۶۲ صفحه) به اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی غزنه در این دوره تاریخی پرداخته شده است.

۴- خراسان بزرگ اثر احمد رنجبر. این کتاب در دوازده فصل تنظیم شده و هر فصل آن به معرفی یکی از شهرهای مهم خراسان قدیم اختصاص یافته است. نویسنده، در فصل مربوط به معرفی شهر غزنه، مطالب مختصری در مورد نام‌گذاری، فتح آنجا توسط مسلمانان، آثار باستانی، حدود و وسعت شهر و نیز معرفی چند تن از عالمان مشهور آنجا آورده است. نگارنده به نقل قول‌ها بسنده کرده و توضیح بیشتری ارائه نکرده است.

۵- مقامات تاریخی و مزارات غزنه، تکمله بر ریاض‌الالواح نوشته غلام سرور همایون. ریاض‌الالواح اثر شیخ محمد رضا خراسانی، حاوی کتیبه‌های قبور سلاطین غزنوی و مناره‌ها و محراب‌هایی است که در زمان غزنویان ساخته شده‌اند. این کتاب شامل یک مقدمه و هفت روضه می‌شود و چنان‌که از نوشته‌های نویسنده کتاب مشخص است، وی این اثر را به دستور امیر حبیب‌الله در سال ۱۳۲۶ق به پایان رسانید. به علت عدم دسترسی به این رساله از تکمله‌ای آن استفاده شده که حاوی تفصیل ریاض‌الالواح و تکمله آنست. نویسنده این اثر، فهرست اعلام مفیدی از بزرگان غزنه در دوره اسلامی را ضمیمه کتاب کرده است. همچنین این اثر با عکس‌های اصلی الواح قبور و دیگر تصاویر تاریخی غزنه تکمیل شده است.

۶- مقاله «مختصری درباره شهر غزنه» اثر علی‌احمد نعیمی، مجله آریانا، شماره ۱۲، در پنج صفحه. نویسنده پس از توضیح مختصر درباره غزنه پیش از اسلام، اطلاعاتی درباره غزنویان و مرکز حکومت آنان آورده است. در این مقاله اهمیت سیاسی غزنه در این دوره مورد تحقیق قرار گرفته؛ اما به اوضاع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنجا اشاره نشده است.

۷-مقاله «غزنه و لاهور» نوشته غلام سرور همایون، مجله آریانا، شماره ۱۸، در چهار صفحه. این مقاله جنبه عرفانی دارد و در آن علی بن عثمان جلابی هجویری از عارفان و صوفیان نامدار غزنه در قرن پنجم هجری معرفی شده است.

۸-مقاله «غزنه، رونق و شکوه آن در عهد سلاطین غزنوی» اثر عبدالباقی حصاریان، نشریه کابل، شماره اول، ۱۲ صفحه. نگارنده ضمن اشاره به تاریخ غزنه پیش از اسلام و نیز ارائه مطالبی درباره نام گذاری آنجا، به رونق و شکوفایی این شهر در دوره غزنویان و ویرانی آنجا توسط حاکمان غوری اشاره کرده است. نویسنده، توضیحات مفید؛ اما اندکی دربار اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی غزنه در قرن های پنجم و ششم هجری آورده است.

۹-مقاله «یادی از فضلامی غزنی»، مجله مهر، شماره پنجم، سال ۱۳۱۰، در نه صفحه. این مقاله شامل شرح حال مختصر بزرگان مشهور غزنه در دوره غزنویان می شود که عبارتند از: سلطان محمود، امام ابو محمد حسن ناصحی، ابوالعباس اسفراینی، ابومنصور ثعالبی، بو نصر مُشکان، امیرالخیبر بن خَمّار و ابونصر عُتبی. مطالب ارائه شده در این مقاله با تکیه بر منابع قدیمی نوشته شده است.

۱۰-مقاله «میرآه اولیاء در ذکر مشایخ غزنه»، اثر محمد یعقوب واحدی جوزجانی، مجله آریانا، شماره اول، سال ۱۳۵۰. این مقاله خلاصه رساله میرآه اولیاء است که توسط محمد عالم متخلص به عالی بن شیخ محمد صالح ندایی سمرقندی در سال ۱۰۴۰ق نوشته شد. این اثر منظوم در ذکر بزرگان و مشایخ مدفون در غزنه باستان و حاوی ۱۰ صفحه است.

جنبه جدید بودن و نوآوری طرح

کتابها و مقاله های فراوانی درباره شهر غزنه نوشته شده که بیشتر به تاریخ سیاسی به ویژه دوره غزنویان اختصاص دارند؛ اما پژوهش مستقل و روشمندی در مورد تاریخ اجتماعی غزنه انجام نشده است. تحقیق حاضر، محققان و خوانندگان را با جغرافیای تاریخی و تاریخ اجتماعی و فرهنگی از ابتدای ورود اسلام تا آغاز حمله مغول آشنا خواهد کرد. از این رو طرحی نو در تدوین چنین مجموعه ای به شمار می رود.

روش انجام تحقیق

روش کار این پایان‌نامه، روش تاریخی توصیفی-نقلی است و اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌ای و رجوع به پایگاه‌ها و مجلات معتبر اینترنتی مانند noormags و magiran گردآوری شده است. اطلاعات گردآوری شده پس از ارزیابی، با استفاده از روش تحقیق تاریخی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

ساختار پژوهش

تحقیق حاضر، در یک مقدمه و پنج فصل تنظیم شده است:

مقدمه: تبیین مسئله و موضوع، ضرورت تحقیق، سوال‌ها و فرضیه‌ها، پیشینه تحقیق، جنبه جدید بودن و نوآوری و معرفی اجمالی منابع مورد استفاده از موارد مذکور در مقدمه است.

فصل اول: جغرافیای تاریخی. در این فصل جغرافیای تاریخی، نام‌گذاری، موقعیت جغرافیایی، پیشینه تاریخی، آب و هوا، ساختار شهر غزنه و نواحی اطراف، دروازه‌ها، کوی‌ها و محله‌ها، میدان‌ها، توابع و موقعیت جغرافیایی فعلی غزنه شرح داده شده است.

فصل دوم: معماری و هنر در غزنه. این فصل به معرفی مهم‌ترین بناهای تاریخی این شهر پیش از اسلام و موارد کاربرد آنها در دوره اسلامی، همچنین احداث بناهای جدید در دوره حاکمان مسلمان و در نهایت صنایع و هنرهای موجود نزد هنرمندان غزنه اختصاص یافته است.

فصل سوم: اقتصاد غزنه. در این فصل تجارت و انواع آن، کشاورزی، دیگر مشاغل، معادن طلا و نقره و در آخر به سکه‌های دوره اسلامی پرداخته شده است.

فصل چهارم: اوضاع اجتماعی و فرهنگی. این فصل شامل مطالبی درباره اقوام ساکن و نژادها، طبقات اجتماعی، زبان و خط، ضرب‌المثل‌ها، دین و مذهب، پوشاک و خوراک، ویژگی‌های اخلاقی و جسمی، آداب و رسوم، بازی‌ها و سرگرمی مردم غزنه است.

فصل پنجم: مشاهیر غزنه. در این فصل، مشهورترین رجال غزنوی و مهاجران این شهر در دوره رونق و شکوفایی آنجا معرفی شده‌اند.

شناسایی منابع

نگارنده در تدوین این پژوهش، از منابع گوناگون و فراوان استفاده کرده است که می‌توان آنها را به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- **تاریخ‌های عمومی:** بیشتر نویسندگان تاریخ‌های عمومی، سخن خود را از خلقت انسان یا طوفان نوح آغاز کرده و تا دوره زندگی خود ادامه داده‌اند. در این منابع حوادث عصر نویسنده، نسبت به دیگر مطالب مگر در موارد خاص، با تفصیل و دقت بیشتری مطرح شده است. تاریخ-الرسل والمُلوک (تاریخ طبری)، تاریخ یعقوبی، مروج الذهب مسعودی، زین‌الآخبار گردیزی، مُجمل-التواریخ والقِصص، الکامل فی التاریخ ابن‌اثیر، طبقات ناصری جوزجانی از جمله تاریخ‌های عمومی مورد استفاده در این تحقیق هستند.

کتاب‌های زین‌الآخبار و طبقات ناصری نسبت به دیگر تاریخ‌های عمومی، از اهمیت بیشتری در پژوهش حاضر برخوردارند. "زین‌الآخبار"، از جمله تاریخ‌های عمومی به زبان فارسی است و در دوره حکومت سلطان عبدالرشید غزنوی (حک: ۴۴۱-۴۴۴ق/۱۰۵۰-۱۰۵۳م) توسط ابوسعید عبدالحی گردیزی نوشته شده است. این کتاب، علاوه بر اطلاعات درباره غزنویان، از ابتدای قدرت یابی آلپتگین (۳۵۱ق/۹۶۳م) تا آغاز حکومت امیر مودود بن مسعود (حک: ۴۳۲-۴۴۱ق/۱۰۴۱-۱۰۵۰م)، در مورد اوضاع اجتماعی و فرهنگی آن روزگار، آگاهی‌های ارزشمندی به دست داده است.

کتاب "طبقات ناصری" که در سال‌های ۶۵۵ تا ۶۵۸ق، توسط منہاج سیراج جوزجانی به زبان فارسی نوشته شده، مطالب مختصر و مفیدی را درباره غزنویان از ابتدای حکومت سبکتگین (حک: ۳۶۶-۳۸۷ق/۹۷۷-۹۹۷م) تا پایان کار این سلسله و همچنین رابطه حاکمان غزنوی با غوریان ارائه کرده است. بیشتر مطالب این کتاب، شامل تاریخ سیاسی است؛ اما نگارنده در برخی موارد، اطلاعات مفیدی را درباره مردم و اوضاع اجتماعی آن روزگار در اختیار نهاده است.

۲- **تاریخ‌های دودمانی:** از منابع مورد استفاده، کتاب‌های تاریخ دودمانی است. نویسندگان این تاریخ‌ها، درباره سلسله یا فرمانروای خاص بیشتر به شیوه جانبدارانه و ستایش‌آمیز سخن گفته‌اند؛ اما با توجه به ذکر جزئیات حوادث، از اهمیت زیادی برخوردارند. مهم‌ترین آنها در دوره غزنوی، "تاریخ بیهمی و تاریخ یمینی" است که از جمله منابع مهم در این پژوهش به شمار می‌روند.

کتاب "تاریخ یمینی"، توسط ابونصر محمد عتبی (د. ۴۲۷ق/۱۰۳۶م)، به زبان عربی و به نام سلطان یمین‌الدوله محمود غزنوی نوشته و در سال ۶۰۳ق، توسط ابوشرف ناصح بن ظفر جُرفادقانی به فارسی ترجمه شد. این کتاب، شرح وقایع تاریخی از اواخر سامانیان تا زمان سلطان

محمود غزنوی (حک: ۳۸۸-۴۲۱ق/۹۹۸-۱۰۳۰م) را شامل می‌شود. علاوه بر این درباره امیران سیستان، آل زیار، سیمجوریان، آل فریغون، غوریان، دیلمیان، خوارزمشاهیان و افغانان اطلاعاتی ارائه می‌دهد. از این رو ترجمه تاریخ یمنی، یکی از مآخذ مهم و شایان توجه به شمار می‌رود. اطلاعاتی درباره مسائل گوناگون مذهبی و اجتماعی در کتاب هست که از شیوه تفکر مردم در قرن‌های چهارم و پنجم هجری و آداب و رسوم اجتماع آن روزگار حکایت می‌کند.

کتاب "تاریخ مسعودی" نوشته ابوالفضل بیهقی، که به گفته نویسنده آن، ذکر حوادث تاریخی از سال ۴۰۹ق/۱۰۱۹م، تا اوایل حکومت سلطان ابراهیم (حک: ۴۵۱-۴۹۲ق/۱۰۵۹-۱۰۹۹م) را شامل می‌شود. بیهقی، به طور خاص تاریخ حکومت غزنویان را شرح داده؛ بنابراین اثر وی در شمار تاریخ‌های سلسله‌ای قرار می‌گیرد. قسمت بیشتر کتاب از میان رفته و آنچه باقی مانده، حاوی وقایع دوران حکومت سلطان مسعود غزنوی (حک: ۴۲۱-۴۳۲ق/۱۰۳۰-۱۰۴۱م) است. با توجه به موقعیت این مورخ در دربار غزنه و دقت بالای وی، کتاب علاوه بر جنبه‌های سیاسی و نظامی، حوادث اجتماعی و فرهنگی غزنه و مردم آن روزگار را نیز شامل می‌شود و برای آشنایی با برخی شخصیت‌های مهم تاریخی و تاثیر گذار دربار غزنه، مرجع بی‌نظیری به شمار می‌رود.

۳- منابع جغرافیایی: نویسندگان این کتاب‌ها، علاوه بر مسائل جغرافیایی، به مطالب مختلف بیرون از این علم توجه نشان داده‌اند. به همین سبب کتاب‌های جغرافیایی، اطلاعات مفیدی درباره حوادث تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و علمی به دست می‌دهند. بیشتر آگاهی‌های پژوهش حاضر، به ویژه در بخش جغرافیای تاریخی، از این کتاب‌ها گردآوری شده است.

کتاب "اشکال العالم" توسط ابوالقاسم جیهانی به زبان عربی نوشته شده که اصل آن موجود نیست؛ اما ترجمه این کتاب توسط علی بن عبدالسلام در قرن هفتم باقی مانده است. "مسالک و الممالک"، اثر ارزنده‌ای است که در قرن چهارم هجری، توسط ابوالقاسم اصطخری نوشته شده است. وی در نگارش کتاب، نوشته‌های جغرافیایی ابوزید بلخی را (د. ۳۲۳ق) اساس کار خود قرار داده است.

ابن حوقل نویسنده کتاب "صورة الأرض"، اثر خود را در سال ۳۶۷ق به انجام رسانده و از کتاب اصطخری استفاده فراوان کرده است. وی درباره وضعیت اقتصادی و تجاری غزنه در قرن چهارم هجری، اطلاعات هر چند اندک؛ اما مفیدی بیان کرده است.

قدیمی‌ترین کتاب جغرافیایی موجود به زبان فارسی، "حدود العالم من المشرق الی المغرب" نام دارد که در سال ۳۷۲ق نوشته شده و نویسنده آن مشخص نیست. نگارش این کتاب، با گسترش قدرت سبکتگین در غزنه و قلمرو وی هم‌زمان بوده و اطلاعات بسیاری را درباره

موقعیت جغرافیایی و اوضاع اجتماعی غزنه پیش از تشکیل حکومت غزنویان به دست داده است. ابو عبدالله مقدسی نیز در سال ۳۷۵ق، اثر خود را با نام "أحسن التماسیم فی معرفه الأقالیم" نگاشت. وی درباره وضعیت اقتصادی و بافت شهر غزنه و توابع و تا حدودی وضعیت اقتصادی آنجا در قرن چهارم هجری، اطلاعات مختصر و مفیدی ارائه کرده است.

تمامی کتاب‌های جغرافیایی یاد شده، آگاهی‌های ارزشمندی از موقعیت جغرافیایی و اوضاع سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی و نیز مسائل مذهبی، فرهنگی، هنری و علمی متصرفات غزنویان ارائه کرده‌اند. یاقوت حموی در کتاب "معجم البلدان" (د. ۶۲۶ق) نیز آگاهی‌های مفیدی را درباره موقعیت جغرافیایی مناطق مختلف و همچنین تلفظ صحیح آنها در اختیار نهاده است.

۴- منابع ادبی (نظم و نثر): منابع ادبی، اطلاعات ارزشمندی در موارد گوناگون ارائه کرده‌اند. در آثار عده‌ای از شاعران و ادیبان درباری و غیر درباری، به مسائل تاریخی و اجتماعی اشاره شده است. توجه زیاد و بخشش‌های شاهانه سلاطین به این افراد، سبب افزایش ستایش و اغراق‌های بسیار در آثار آنان می‌شد؛ بنابراین محقق باید در استفاده از آنها، جانب احتیاط را رعایت کرده و با دید انتقادی از این منابع استفاده کند. دربار غزنه به سبب علاقه حاکمان غزنوی به شعر و ادب، همواره مورد توجه شاعران و ادیبان آن روزگار بود. دیوان اشعار فرخی سیستانی (د. ۴۲۹)، مسعود سعد (د. ۵۱۵ق)، مختاری غزنوی (د. ۵۴۴ یا ۵۵۴ق)، حسن غزنوی (د. ۵۵۵ تا ۵۵۷ق) و سنایی (د. ۵۴۵ یا ۵۲۵ق)، از جمله کتاب‌های مهم ادبی قرن‌های پنجم و ششم هجری هستند که اطلاعات مفیدی را درباره اوضاع فرهنگی و اجتماعی این شهر به دست می‌دهند.

کتاب‌های نثر، از جنبه تاریخی چندان قابل اعتماد نبوده و بیشتر شامل مطالب اخلاقی هستند. بر این اساس، استفاده از این منابع نیازمند مطالعه و دقت زیاد است. برای نمونه کتاب "جوامع الحکایات و آلوامع الروایات" محمد عوفی، حاوی حکایت‌هایی است که برخی آنها به حوادث روزگار غزنویان اختصاص دارد.

۵- کتاب‌های شرح حال، طبقات و تذکره‌ها: این آثار اطلاعات علمی و فرهنگی بسیاری را به دست می‌دهند؛ بنابراین مراجعه به آنها ضروریست. برخی این آثار، به شرح حال افراد و برخی دیگر به طبقه‌ای خاص مانند شاعران اختصاص دارند. "لباب‌الالباب" اثر سدیدالدین عوفی (نوشته شده در نیمه اول قرن ششم هجری) از جمله کتاب‌های تذکره و گزیده اشعار شاعران فارسی زبان است که تعدادی از شاعران خطه غزنه را نیز نام برده و شرح مختصری در مورد آنان آورده است.

یاقوت حموی در "مُعْجَمُ الْأَدْبَاء" (نوشته: ۵۹۶-۶۰۰ق)، ابن خَلَّکان در "وَفَیَاتُ الْأَعْيَان" (د. ۶۸۱ق) و صلاح‌الدین صفدی در "الْوَفَیَاتُ بِالْوَفَیَات" (د. ۷۶۴ق)، به شرح حال نام‌آوران قلمرو اسلام، در زمینه‌های علمی، ادبی، مذهبی و سیاسی پرداخته‌اند. همچنین کتاب "تذکره الشعراء" دولت‌شاه سمرقندی که در سال ۸۹۲ق نوشته شده، مطالب مفیدی درباره شاعران بزرگ غزنه به دست داده است. از دیگر آثار تذکره، کتاب‌های شرح حال وزیران است. برای نمونه کتاب خواندمیر با نام "دستورالوزراء"، شامل شرح حال تعدادی از وزیران روزگار غزنویان است. از دیگر کتاب مورد استفاده در این پژوهش، می‌توان به "الانساب" سمعانی (د. ۵۶۲)، "تاریخ الحکماء" ابوالحسن قفطی (تالیف: قرن هفتم هجری) "تاج التراجم فی الطبقات الحنفیه" نوشته قاسم بن قُطُوبُغَا (تالیف: قرن نهم هجری)، "کشف الظنون" اثر حاجی خلیفه (تالیف: قرن ۱۱ هجری)، "ریاض العارفین" نوشته آفتاب رای لکهنوی، "ریحانه‌الادب" اثر محمدعلی مدرس، "سخن و سخنوران ایران" محمدحسن فروزانفر اشاره کرد.

۶- **کتاب‌های آداب:** اینگونه کتاب‌ها، در موارد گوناگون اجتماعی و امور مملکت‌داری راهنمای مفیدی به شمار می‌روند. برخی آنها، برای دبیران، وزیران، دیوانیان و نظامیان نوشته می‌شدند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب "لطائف المعارف" ابومنصور ثعالبی (د. ۴۲۹ق) اشاره کرد. نگارنده، اثر خود را در روزگار حکومت غزنویان نوشته و در وصف برخی شهرهای مهم از جمله غزنه، اطلاعات جغرافیایی و اجتماعی مفیدی ارائه کرده است. کتاب "چهارمقاله" که در حدود سال‌های ۵۵۱ تا ۵۵۲ق، توسط احمد بن نظامی عروسی سمرقندی نوشته شده، درباره اوضاع اجتماعی، فرهنگی و علمی غزنه، اطلاعات ارزشمندی به دست می‌دهد. یکی دیگر از این آثار، کتاب آداب- "آداب الحرب والشجاعه" است که در نیمه اول قرن ششم هجری، توسط فخر مدبر نوشته شده و درباره آداب و فنون و شیوه‌های جنگی است؛ اما به دلیل وجود چند حکایت تاریخی مهم درباره غزنه و مردم این شهر در قرن‌های پنجم و ششم هجری، حاوی اطلاعات اجتماعی مفیدی است. کتاب "قابوس‌نامه" اثر عُنْصَرُ الْمَعَالِی قابوس بن وشمگیر (تالیف: سال‌های ۴۵۷ و ۴۶۷ق)، در زمان حکومت غزنویان نگاشته شده است. این کتاب به سبب آگاهی‌های ارزشمند درباره مسائل اجتماعی و نظامی شهر غزنه، منبع مهمی در تحقیق حاضر به شمار می‌رود.

۷- **کتاب‌های فرق:** این کتاب‌ها برای آگاهی از وجود ادیان و فرق موجود در غزنه دوره اسلامی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که برای نمونه می‌توان به تبصره‌العوام حسنی رازی، و تاریخ الفرق الاسلامیه نوشته الزین اشاره کرد. البته کتاب‌هایی مانند طبقات الصوفیه سلمی و جامع العلوم فخر

که در محدود زمانی قرن‌های چهارم و پنجم نگاشته شده‌اند؛ اما به نکرده‌اند.

نو: نویسندگان این دسته از منابع در مورد سبک هنر و ویژگی‌های تحقیق و مطالعه کرده‌اند که از روی بناهای تاریخی باقی مانده از این صورت گرفته است. در حال حاضر از بناهای کشف شده در بازار و کتیبه‌های قبور سلاطین غزنوی بر جای مانده است که از به ویژگی معماری بناهای غزنه پی برد. از جمله این کتاب‌ها می‌- اثر ریچارد اتینگهازون، معماری و تزئینات اسلامی نوشته دریک ی در سرزمین‌های اسلامی از جان هواگ اشاره کرد.

کتاب‌ها، بیشتر به تاریخ افغانستان و غزنویان اختصاص دارند. ون باسورث (تاریخ غزنویان)، می‌توان به آثار پژوهشگران افغانی ضاع و احوال سیاسی و اجتماعی غزنه پیش از اسلام و نیز دوره ن نمونه، عبدالحی حبیبی در مقاله‌ها و کتاب‌های متعدد از جمله، " نوشته‌های کهن افغانستان" اطلاعات مفیدی را درباره است. این نویسنده افغانی، با نوشتن حواشی بر کتاب‌های

طبقات ناصری و زین‌الخبار، مطالب جغرافیایی مفیدی درباره تعدادی از شهرها و آبادی‌های مهم منطقه غزنه ارائه کرده است؛ اما باید گفت برخی تحلیل‌های وی با تعصب همراه بوده و استفاده از کتاب‌های این محقق، نیازمند مطالعه و دقت زیاد، گزینش مناسب مطالب و گاه نقد آنهاست.

فصل اول

افیای تاریخی

موقعیت جغرافیایی

سرزمین سیستان یا سَجِسْتَان^۱ قدیم که به نیمروز^۲ نیز معروف بود، در شرق و جنوب شرق ایران قرار داشت. اهمیت فراوان سیستان در دوره باستان، به سبب حضور پهلوانان اساطیری ایران مانند زال و رستم در آنجا بود.^۳ این سرزمین، در روزگار خلافت عثمان بن عفان (خلافت: ۲۳-۳۵ هجری/۶۴۴-۶۵۵م)، توسط سپاهیان اسلام فتح^۴ و در دوره امویان زیر نظر والیان آنان اداره می-

^۱. بیشتر مورخان و جغرافیدانان مسلمان، نام این منطقه را به صورت سَجِسْتَان آورده‌اند.

^۲. سیستان به فارسی «نیمروز» هم نامیده می‌شد، به معنی سرزمین جنوبی؛ زیرا در جنوب خراسان واقع بود.

^۳. (لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۳۵۸)

^۴. تاریخ سیستان، صص ۲۳-۲۴

^۴. همان، ص ۸۰

شد. حضور خوارج و تشکیل حکومت صفاریان در روزگار عباسیان، از علل اهمیت این سرزمین در دوره اسلامی به شمار می‌رود.^۱

زابلستان با مرکزیت شهر «غزنه»، یکی از ایالت‌های تاریخی سیستان به شمار می‌رفت که در دوره اسلامی و پیش از آن نیز دارای اهمیت تاریخی بود. مورخان و جغرافی‌نویسان مسلمان و غیر مسلمان در آثار خود، نام این ایالت را به شکل‌های گوناگون آورده‌اند. زابلستان، معادل کلمه پهلوی زابلستان بود و هیوان‌تسنگ،^۲ آن را با نام «تسو - کیو - چا» (tsu-ku-cha) می‌شناخت.^۳ مورخان و جغرافی‌نویسان مسلمان همچون بلاذری و طبری، آن را به صورت زابل و زابلستان^۴ و مقدسی آن را به شکل «جابلستان»^۵ آورده‌اند.

مورخان مسلمان، درباره وسعت و اهمیت زابلستان تاریخی، روایت‌های گوناگونی بیان کرده‌اند. به گفته مسعودی، زابلستان قلمرو وسیعی با قلعه‌های بزرگ و عجیب بود.^۶ بر اساس گزارش کتاب *حدودالعالم*، غزنه و تمام نواحی متصل به آن، در قدیم «زابلستان» خوانده می‌شد.^۷ به گفته نویسنده کتاب *مجمَل التواریخ والقصاص*، رستم زال پهلوان اسطوره‌ای شاهنامه، لقب پادشاهان غور بود. حاکمان ولایات اطراف آن، یعنی غرجستان^۸ که "شار" و حاکمان بامیان که "پیشین" لقب داشتند، همه توسط رستم زال انتخاب می‌شدند؛ زیرا تمامی این مناطق در مجموع به «زابلستان» معروف و حاکم اصلی آن رستم بود به همین سبب، رستم را "زابلی" می‌گفتند.^۹

۱. همان، ص ۲۴؛ لسترنج، همان، ص ۳۵۹

۲. مورخ و سیاح چینی قرن هفتم میلادی. وی اطلاعات مفیدی درباره جغرافیا، اوضاع سیاسی و مذهبی شهرهای ماوراءالنهر، بلخ و جنوب هندوکش تا کابل، غزنه و پیشاور، در سفرنامه‌اش «سی-یو-کی، ci-yu-ki» فراهم آورد..

۳. مارکوارت، ایرانشهر، ص ۸۶

۴. بلاذری، فتوح البلدان، صص ۲۷۳ و ۲۷۴؛ طبری، تاریخ الطبری، جزء دوم، ص ۱۰۰

۵. مقدسی، أحسن التقاسیم، ص ۲۳۷

۶. مسعودی، مروج الذهب، جزء ۴، ص ۱۴۹

۷. مینورسکی، تعلیقات بر حدودالعالم، صص ۳۲۴ - ۳۲۵

۸. یاقوت در ذیل واژه «غرش»، جغرافیای غرجستان را چنین آورده است: «غرش یک واژه پارسی است که «غرج» و «غرجستان» نیز می‌گویند. غرش سرزمینی میان غزنه، کابل، هرات و بلخ است و مردم خراسان آن را بیشتر

"غور" می‌گویند. یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۹۴

۹. *مجمَل التواریخ والقصاص*، ص ۴۲۲

فردوسی (قرن پنجم هجری) در جای جای شاهنامه، از این سرزمین باستانی نام برده است. به گزارش شاهنامه، زابلستان در عهد منوچهرشاه در اختیار سام بود. منوچهر به سبب محبت فراوان نسبت به سام، با نوشتن عهدنامه‌ای تمام قلمرو زیر نفوذ وی را مشخص کرد:

وزان پس منوچهر عهدی نوشت سراسر ستایش بسان بهشت
همه کابل و زابل و مای و هند ز دریای چین تا به دریای سند
ز زابلستان تا بدان روی بست بنوی نوشتند عهدی درست^۱

به گفته یاقوت، عجم‌ها زابل را «زابلستان» می‌گفتند و آن ناحیه پهناور و مستقل در جنوب بلخ^۲ و طخارستان^۳ بود.^۴

لسترنج (lestrang) معتقد است جغرافی‌نویسان مسلمان، اقلیم کوهستانی رود هیرمند و قندهار را "زابلستان" می‌نامیدند. به گفته وی، کاربرد این اسم مبهم بود و بیشتر بر نواحی اطراف غزنه اطلاق می‌شد.^۵ ایالت زابلستان، در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود محل رشد و افول تمدن‌هایی چون یونانی، کوشانی و هپتالی و شهرهای مهمی چون غزنه، کابل، گردیز و قندهار بود.^۶ شهر باستانی و مهم "غزنه" موضوع این پژوهش است.

غزنه در دوره اسلامی، از جمله شهرهای بزرگ و مهم خراسان به شمار می‌رفت. این سرزمین، از سمت شرق به ولایت کابلستان و دیار هند، از غرب و جنوب به ایالت سیستان و از شمال به سرزمین خراسان محدود می‌شد. به همین سبب بعضی جغرافی‌نویسان مسلمان، غزنه را بخشی از بلاد سیستان، عده‌ای آن را بخشی از سرزمین بامیان و عده‌ای دیگر بخشی از خراسان به شمار

۱. فردوسی، شاهنامه، ج ۱، داستان منوچهر، صص ۱۵۱ - ۱۵۲

۲. شهری مشهور از توابع خراسان. (یاقوت، همان، ج ۱، ص ۴۷۹)؛ این شهر امروزه در شمال کشور افغانستان قرار دارد.

۳. طخارستان یا تخارستان، ولایتی وسیع در سرزمین خراسان قدیم و مشتمل بر شهرهای بسیار. (همو، ج ۴، ص ۲۳). این شهر هم‌اکنون در شمال افغانستان، غرب رود جیحون و شرق بلخ قرار دارد و مرکز آنجا شهر طالقان است.

۴. همو، ج ۳، ذیل واژه زابل و زابلستان، ص ۱۲۵؛ همچنین ر.ک واژه غزنه و جزنه در همین کتاب.

۵. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۳۷۴

۶. در ادامه بحث، به این تمدن‌ها و شهرها و تاثیر آنها بر جغرافیا و اوضاع اجتماعی غزنه اشاره خواهد شد.